



۲۳. شهید ثانی در کشف الریبه، رسلاً از پیامبر (ص) نقل می کند که:

«احبکم الی الله تعالی احسنکم اخلاقاً الموطون اکنافاً الذین یالفون و یؤلفون و ان ابغضکم

الی الله تعالی المشائون بالنمیمه المفرقون بین الاخوان الملتمسون للبراء العشرات»^۱

[موطأ الاکناف: کریم، مهمان نواز/ یالفون: انس می گیرند/ یؤلفون: انس می پذیرند/ براء: بی گناه/

عشرات: لغزش ها]

ما می گوئیم:

روایات ۲۳ تا ۲۷، را ظاهراً شهید از احیاء العلوم نقل کرده است.^۲

۲۴. روایت ابوذر از پیامبر (ص):

شهید ثانی همچنین از ابوذر نقل می کند که:

«من أشاع علی مسلم کلمة لیشینه بها بغير حق شانہ اللّٰه بها فی النار یوم القیامة»^۳

[شأن: زشت گردانید او را]

۲۵. روایت ابو الدرداء از پیامبر (ص):

شهید ثانی از ابوالدرداء نقل می کند که:

«أیما رجل أشاع علی رجل کلمة و هو منها بریء لیشینه بها فی الدنیا کان حقاً علی اللّٰه أن

یدنیه بها یوم القیامة فی النار»^۴

[یدنیه بها: تحقیر کند او را به سبب آن سخن]

۲۶. روایت دیگر ابوالدرداء از پیامبر (ص):

شهید ثانی روایت دیگری را از ابوالدرداء نقل می کند که او از پیامبر (ص) چنین روایت کرده است:

«إنّ اللّٰه لَمّا خلق الجنّة قال لها تکلمی قالت سعد من دخلنی فقال الجبار جلّ جلاله و عزّتی و

جلالی لا یسکن فیک ثمانية نفر من الناس لا یسکن فیک مدمن خمر و لا مصرّ علی الزّنا و

لا قتات و هو النمام و لا دیوث و لا شرطیّ و لا مخنث و لا قاطع رحم و لا الذی یقول علیّ

عهد اللّٰه إن لم أفعل کذا و کذا ثمّ لم یف به»^۵

۱. کشف الریبه، ص ۴۲

۲. ن ک: احیاء العلوم، ج ۳، ص ۲۴۶

۳. کشف الریبه، ص ۴۳

۴. همان

۵. همان

۲۷. شهید ثانی در کشف الریبه همچین با عنوان «روایت شده است» داستانی را از حضرت موسی بیان می‌کند:

«و روی أن موسی استسقی لبنی اسرائیل حین أصابهم قحط فأوحی اللّٰه تعالیٰ إلیه، لا أستجیب لک و لمن معک و فیکم نام، قد أصر علی النمیمه. فقال موسی، من هو حتی نخرجه من بیننا. فقال الله یا موسی، أنهاکم عن النمیمه و أکون ناما! فتابوا جميعا، فسقوا.»^۱

جمع بندی:

در بحث نامی، ۳ نکته قابل تمییز است:

الف) نامی کردن

ب) استماع نامی

ج) ترتیب اثر دادن به نامی

البته باید توجه داشت که دلیل عقل (اگر آن را بپذیریم)، و همه‌ی آیات شریفه (بر فرض اینکه دلالت آن‌ها کامل باشد) و همچنین اجماع، فقط بر حرمت اصل نامی (نامی کردن) دلالت دارند و دو فرض دیگر مشمول دلالت آن‌ها نمی‌شود.

اما استماع نامی، حرام است اگر غیبت باشد. و یا شنیدن تصدیق نام و تشویق او تلقی شود. و به همین جهت و به سبب ادله نهی از منکر، نهی نام از سخن گفتن و منع از او که از مسیر «استماع نکردن» حاصل است، واجب خواهد بود.

اما در میان روایات:

تقریباً همه روایات (بجز روایت ۶) نیز ظاهراً (یا در برخی نصاً) روایات ناظر به نامی کردن است و تنها روایت ۶ (که سند و دلالت تمامی دارد)، ترتیب اثر دادن به نامی را تحریم کرده است. البته روشن است که این درباره آن دسته از «ترتیب اثرهایی» است که در مقام رفتار خارجی است و اثری سوء بر آن بار نیست، ولی کدورت قلبی حاصل از نامی، البته امری غیر اختیاری است که مشمول حکم نمی‌شود (هر چند بهتر است مومن سعی کند آن را نیز با تلاش از جان خود بزدايد تا گرفتار کینه نشود)

البته توجه شود که ترتیب اثر دادن، را نمی‌توان به طور مطلق حرام دانست چرا که چه بسا اطلاع از نکته ای «موضوع حکمی» را ایجاد کند.

۱. همان



خاتمه: وظیفه ما در قبال سخن چین ها

شهید ثانی در کشف الریبه، وظیفه یک مسلمان را در هنگامی که کسی پیش او نامی می کند چنین

برمی شمارد:

«وکل من حملت إلیه النمیمه وقیل له إن فلانا قال فیک کذا وکذا أو فعل فیک کذا وکذا وهو یدبر فی إفساد أمرک أو فی ممالأة عدوک أو تقبیح حالک أو ما یجری مجراه فعلیه ستة أمور الأول أن لا یصدق له لأن النمام فاسق وهو مردود الشهادة قال الله تعالی إن جاءکم فاسقٌ بنبأٍ فتبیئوا الآیة الثانی أن ینهاه عن ذلك وینصحه ویقبح له فعله قال الله تعالی وأمر بالمعروفِ وانه عن المنکر الثالث أن یبغضه فی الله تعالی فإنه یبغض عند الله ویجب بغض من یبغضه الله تعالی الرابع أن لا تظن بأخیک السوء بمجرد قوله لقوله تعالی اجتنبوا کثیراً من الظن بل یثبت حتی یتحقق الحال الخامس أن لا یحملک ما حکى لک علی التجسس والبحث لیتحقق لقوله تعالی ولا تجسسوا السادس أن لا ترضی لنفسک ما نهیت النمام عنه فلا تحکی نمیمته فتقول فلان قد حکى لی بكذا فتكون به ناما ومغتابا وقد تكون أتیت بما نهیت»^۱

ما می گوئیم:

این ۶ وظیفه عیناً در المحجة البيضاء توسط مرحوم فیض^۲ و در احیاء العلوم توسط غزالی^۳ هم مورد اشاره واقع شده است.



در خارج فقه ائمه سنی

۱. همان، ص ۴۴

۲. ج ۵، ص ۲۷۸

۳. ج ۳، ص ۲۴۸